

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱ تا ۱۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳

مشروعیت دولت‌ها از منظر رعایت تعهدات زیست محیطی

| علی‌اصغر جبارپور مردانقم* | کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران و
وکیل پایه یک دادگستری، ایران.

چکیده

نظر به اهمیت حق بر حیات به عنوان اولین و بنیادی‌ترین حق بشر در اسناد حقوق بشری و توجه به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل مرتبط با حقوق بشر پس از پایان جنگ‌های جهانی اول و دوم حمایت از حقوق بشر موجب گسترش قواعد بین‌المللی شد که حاوی تعهدات بلاعوض در جهت منافع مشترک بشریت بود. هدف نهایی قواعد بین‌المللی محیط‌زیست نه منافع مستقیم و بدون واسطه دولت‌ها بلکه منافع بشریت و بهبود سرنوشت انسان‌ها است و دولت‌ها برای دستیابی به این هدف مهم با قانون‌سازی‌های مختلفی در عرصه داخلی و بین‌المللی سعی در عملیاتی کردن آن برآمدند که از جمله آن می‌توان به بیانیه پایانی کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ اشاره کرد که با اعلام حق انسان به داشتن محیط‌زیست سالم و در جهت مشروعیت دولت‌ها در مسیر دستیابی به این امر مهم پیوند بنیادینی بین حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشری ایجاد نمود و با قراردادن حق انسان‌ها به داشتن محیط‌زیست سالم در کنار آزادی و برابری آن را صراحتاً مصادیق حقوق بنیادین تلقی نمود و سرآغاز تحولی جدید در حقوق بین‌الملل شد و از آن تاریخ به بعد حق بر محیط‌زیست سالم و پیوسته در اسناد بین‌المللی مختلفی مورد تایید و تاکید قرار می‌گیرد. دولت‌ها باید در راستای حق حیات و حق بر سلامت افراد تعهدات زیست محیطی را با حسن نیت انجام دهند. بر این اساس توجه به اصل همکاری متقابل دولت‌ها در اجرای اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و نیز تاسیس یک سازمان بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست با هدف اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و قواعد محیط‌زیستی منجر به وجود آمدن تعهداتی در خصوص محیط‌زیست گردیده است. در این پژوهش بران شدیم به اهمیت محیط‌زیست در چهارچوب قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بپردازیم و تعهداتی که در چهارچوب اسناد بین‌المللی حاکم بر قضیه محیط‌زیست مشروعیت دولت‌ها را به رعایت این تعهدات زیست محیطی نشان می‌دهد را مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعهدات زیست محیطی، حقوق معاهدات، محیط‌زیست، مشروعیت.

* نویسنده مسئول: Aliasghar.jabarpour2017@gmail.com

مقدمه

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از ابعاد و عناصر گوناگونی برخوردار است بالاخص آن بخش از مسایل زیست محیطی که از ماهیت فرا مرزی برخوردار است و در مواجهه با عظمت و مشکلات مسائل زیست محیطی، جهان نیازمند یک بیداری و همراهی جدی است. حتی امروزه رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل زیست محیطی را از بخش‌های حاشیه‌ای و جانب‌های به دستور کار اصلی سیاسی مستقل کرده‌اند و از طریق توسعه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که به منظور جلوگیری از فعالیت‌های مضر به محیط‌زیست نظام یافته، دست به کار شده‌اند. از سوی دیگر تاسیس دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان به عنوان یکی از اقدامات قابل توجه بین‌الملل در حمایت کیفری غیر اشکار محیط‌زیست دانست. تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حرکت تاریخی را از سال ۱۹۷۲ میلادی تاکنون تجربه کرده است شمار قابل توجهی از اسناد حقوقی در این زمینه و توجه به محاکم بین‌المللی به معضلات زیست محیطی که منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در رویه قضایی بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست شده است و به مرور زمان به توسعه کارایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست افزوده است و خواهد افزود. دولت‌ها باید با نظارت بین‌المللی از طریق پروتکل‌های امنیت زیستی و وضع قوانین ملی مناسب سلامت شهروندان را تضمین کنند و مانع وارد آمدن خسارت بر محیط‌زیست شوند. لذا اسناد بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست ضمن آن که به استفاده از تمامی فناوری‌های مدرن و مزایای آن با برقراری بقای محیط‌زیست تاکید کرده است به اقدامات و روش‌های احتیاطی مناسب نیز برای کنترل آثار نامطلوب آن‌ها از حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی اشاره کرده است. همچنین سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی در مقولات زیست محیطی موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرده‌اند و این خود کارایی بیشتر اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نیز فراهم کرده است. این اصول چهارچوبی را تشکیل می‌دهد که توسعه آنی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را رقم می‌زند و محاکم بین‌المللی و دولت‌ها در همین خصوص در صورتی که با استناد به اصول عملکرد خویش را موجه جلوه می‌دهند تا در اعمال تعهدات ماهوی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به قطعیت برسند و منشایی برای مشروعیت بخشی برای اجرای تعهدات زیست محیطی تلقی گردد.

تعریف حقوق محیط‌زیست

به طور کلی حقوق محیط‌زیست عبارت است از مجموعه‌ای به هم پیوسته از عوامل و شرایطی که حیات و دوام موجودات زنده بران وابسته است. بر اساس تعریف فوق حقوق محیط از قواعدی بحث می‌کند که حاکم بر روابط انسان و عوامل محیط‌زیست می‌باشد. یا به عبارت دیگر حقوق مجموعه قواعدی است که تنظیم کننده روابط انسان و عوامل محیط‌زیست است. بنابراین حقوق محیط‌زیست رفتارها و افعال انسانی را می‌تواند منجر به اثرات سو یا تخریب و آلودگی محیط‌زیست و منابع طبیعی گردد، تحت انطباق و کنترل در می‌آورد. (رجب زاده، ۱۳۸۷: ۳).

مفهوم ماهیت محیط‌زیست

ارزیابی‌های حقوقی همواره مستلزم وجود یک رابطه بین اشخاص است (دل وکیو ۱۳۸۰:۴۰) و بدون وجود اجتماع که متشکل از روابط اجتماعی است حقوق و ارزیابی‌های حقوقی بی‌معنی است زیرا وظیفه حقوق تنظیم روابط در اجتماع است و از این جهت باید گفت که علیت به وجود آمدن حقوق وجود اجتماع و جریان روابط گوناگون در آن است. حقوق از این دیدگاه که به مجموعه‌ای از مقررات اطلاق می‌شود که بر روابط افراد یک جامعه سیاسی حکومت دارد (لنگرودی، ۱۳۶۲:۸۲). و با عبارتی دقیق‌تر مجموعه‌ای از قواعد الزام آور و کلی گفته می‌شود که بر روابط اجتماعی انسان حکومت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۶۵:۵۴۹) از طرف دیگر با توجه به مفهوم حقوق محیط‌زیست که از طرف دانشمندان و محققان ارایه شده است و آن را عبارت از محیطی می‌داند که بشر در آن زندگی می‌کند (آخوندزاده، ۱۳۸۰:۸) و یا آن را به معنی محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد اطلاق می‌نماید (کیس، ۱۳۹۲:۵). بنابراین با توجه به این که حقوق مجموعه مقررات حاکم بر زندگی اجتماعی بوده و زندگی اجتماعی انسان نیز در محیط‌زیست او و نیز در ارتباط با آن است و جریان صحیح این رابطه یعنی انسان با محیط‌زیست و بهره‌بندی برابر همه انسان‌ها از آن و تداوم آن مستلزم تنظیم دقیق آن روابط می‌باشد لذا در هر جامعه‌ای یک سلسله قواعد الزام‌آوری برای این منظور وضع و مقرر گردیده است که می‌توان مجموعه آن قواعد و مقررات الزام آور به عنوان حقوق محیط‌زیست تعبیر کرد. در مفهوم حقوق محیط‌زیست می‌توان گفت مجموعه قواعد و مقرراتی است که به منظور نظم و استقرار عدالت بر روابط انسان و محیط‌زیست او حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. (غریبه، ۱۳۹۰:۲۳۸).

ماهیت حقوق محیط‌زیست و رابطه آن با حقوق عمومی

حقوق عمومی به جامعه مربوط می‌شود و ماهیت حقوق محیط‌زیست با آن پیوند خورده است زیرا موضوع محیط‌زیست که عبارت است از آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است. هرگاه حقوق محیط‌زیست دارای ماهیت حقوق عمومی تلقی شود در امره بودن قواعد و مقررات آن تردیدی وجود نخواهد داشت و مجریان آن مقررات توانایی اسقاط آن را نخواهند داشت. با توجه به ماهیت عمومی حقوق محیط‌زیست می‌توان قایل به این نظر شد که هرگونه مقرراتی که در خصوص حمایت از محیط‌زیست و تنظیم روابط عناصر آن یعنی با حیوانات، گیاهان و خاک و غیره وضع شود جنبه امره داشته و نمی‌توان با پرداخت جریمه و با توافق با سازمان دولتی زیربط به محیط‌زیست از اجرای مقررات راجع به محیط‌زیست خودداری کرد. (غریبه ۱۳۹۰:۲۴۱).

هدف حقوق محیط‌زیست

حقوق محیط‌زیست شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه قواعد حقوقی موجود در زمینه محیط‌زیست می‌پردازد و به واسطه محتوای خود به سلامت عمومی و حفظ تعادل اکولوژیک کمک می‌نماید. به گفته دسپاکس "هدف محیط‌زیست حذف یا محدود کردن تاثیرات فعالیت‌های انسانی بر روی عناصر یا محیط‌های طبیعی است و از نظر ساوی "حقوق محیط‌زیست تنظیم کننده قواعد و فعالیت‌هایی است که می‌تواند صدمات وارده به کیفیات محیطی که انسان وارد آن می‌شود را پیش‌بینی کند. (انصاری، ۱۳۹۴).

انواع حقوق محیط‌زیست

مقرراتی که در یک کشور وضع می‌شود با لحاظ حمایت از محیط‌زیست داخلی و خارجی است و از این جهت می‌توان حقوق محیط‌زیست را به حقوق محیط‌زیست داخلی و خارجی و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تقسیم کرد:

حقوق محیط‌زیست داخلی

محیط‌زیست هر کشور به جزیی از قلمرو سرزمینی و حاکمیت آن کشور تلقی می‌شود. مدیریت مربوط به تعهدات زیست محیطی آن از وظایف اصلی و حاکمیتی هردولتی به حساب می‌آید مهم‌ترین ابزار برای اجرای تعهدات زیست محیطی ابتداء وجود مقررات جامع و منسجم اصولی است و چون وظیفه اصلی هردولتی تامین نظم و منافع عمومی افراد جامعه در قلمرو سرزمین تحت حاکمیتش می‌باشد از این رو قانون گذاری هرکشوری برای حمایت از محیط‌زیست و مدیریت آن یک سلسله قواعدی وضع می‌کند که مجموعه آن مقررات حقوق محیط‌زیست داخلی را تشکیل می‌دهد (غریبه ۱۳۹۰:۲۴۲) و وضع این قوانین و مقررات برای اعمال تعهدات زیست محیطی به دولت به نوعی مشروعیت می‌بخشد.

حقوق محیط‌زیست بین‌المللی

این موضوع که انسان‌ها حق دارند در یک محیط‌زیست سالم زندگی کنند به عنوان یک حق بنیادین شناخته شده است (برنیر، ۱۳۶۵:۵۳). بر اساس این حق دیگر حقوق محیط‌زیست صرفاً به قلمرو سرزمینی یک کشور محدود نمی‌شود بلکه سیاست گذاری کشورها و وضع قوانین و مقررات بازدارنده و حمایت کننده در مورد محیط‌زیست ناظر به محیط‌زیست کشورهای همسایه و کل جهان نیز می‌باشد (غریبه، ۱۳۹۰:۲۴۲). به عبارت دیگر به خاطر ارتباط تنگاتنگ محیط‌زیست کشورها، کشورها از یک طرف برای جلوگیری از ورود خسارت به محیط‌زیست کشورهای همسایه و مسئولیت برای دولت به خاطر ورود آن ضررها و نیز اتخاذ سیاست کلی به وضع مقرراتی در داخل کشور می‌نمایند و غالباً برای رسیدن به اهداف مزبور لاجرم از برقراری ارتباط و مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر هستند. و با انعقاد آن قرارداد اعم از به شکل موافقت نامه یا عهدنامه که برای اجرا در روابط بین‌المللی حقوق محیط‌زیست جنبه بین‌المللی به خود می‌گیرد.

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

شاید بتوان گفت که در گذشته آلودگی محیط‌زیست قلمرو محدودی داشته و غالباً فعالیت‌های نادرست و غیر اصولی اشخاص خصوصی و دولت موجب تخریب و آلودگی محیط‌زیست داخل کشور و ورود ضرر به افراد جامعه آن کشور بخصوص می‌شد اما امروزه با توجه به ماهیت و نوع مواد آلاینده و تخریب‌کننده و وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر نمی‌توان آلودگی محیط‌زیست را صرفاً موجب برهم زدن نظم عمومی داخلی دانست بلکه به جهت قلمرو بسیار وسیع آن‌ها که شامل تمام کره زمین است، آلودگی محیط‌زیست در یک کشور موجب برهم زدن نظم عمومی در کل جهان تلقی کرد. بر این اساس است که برخی از حقوق‌دانان معتقدند که محیط‌زیست و نظم عمومی بین‌المللی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و ارزش‌های زیست‌محیطی در پاره‌ای موارد واجد ویژگی قاعده‌آمره و تعهدات عام‌الشمولی می‌باشد (نژندی منش و دیگران، ۱۳۸۸:۲۰۱). بنابراین در موضوع محیط‌زیست باید از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست صحبت کرد و یک سلسله قواعد فرا ملی حاکم بر روابط بین کشورها در زمینه محیط‌زیست به جهت اهمیت امر انکارناپذیر محیط‌زیست که لازمه حیات بشر باشد که نقض تعهدات بین‌المللی حقوق محیط‌زیست همسنگ نقض سایر حقوق بشری تلقی و مساله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تلقی گردد (سیمبر، ۱۳۸۳:۱۰۶).

محیط‌زیست و حقوق بشر

بعد از ظهور نسل‌های اول و دوم حقوق بشر که راجع به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، نسل سوم حقوق بشر که داشتن محیط‌زیست سالم از این دسته از حقوق است به تدریج جایگاه حقوقی خود را در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق موضوعه داخلی باز کرد و حقوق بشر حقوق محیط‌زیست بوده و انهدام و تخریب آن ناقض حقوق شخص بوده و تجاوز به اساسی‌ترین حقوق انسان قلمداد می‌شود و چون داشتن محیط‌زیست سالم از حقوق اساسی بشر بوده و حتی لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند نمی‌توان از اولویت یکی بر دیگری صحبت کرد چرا که هر یک لازمه بقای دیگری است (chinkin, 1998:223). به عبارت دیگر باید گفت لازمه حفاظت از حقوق بشر، مراقبت از محیط‌زیست انسان هاست و نمی‌توان سیاست‌گذاری کلی مراقبت از محیط‌زیست را برحق بشر و یا حمایت از حقوق بشر را بر حفاظت از محیط‌زیست ترجیح داد. با وجود این در عمل حمایت از حقوق بشر بر حفاظت از محیط‌زیست ارجح تلقی می‌گردد. (غریبه، ۱۳۹۰:۲۴۹). با این حال ضرورت دارد که در سیاست‌گذاری‌های کلی نه تنها رعایت حقوق بشر در مورد نسل‌های فعلی اندیشه شود بلکه تدابیری برای حمایت از نسل‌های آینده که محیط‌زیست سالم نیز برای آنان ضروری است، اتخاذ گردد و با حمایت از محیط‌زیست با وضع قوانین و تعهدات بین‌المللی برای رسیدن به یک عدالت زیست‌محیطی تلاش شود. (ThorntonT, 2010:218).

حاکمیت دولت‌ها در تعهدات زیست محیطی

مبنای حقوق محیط‌زیست برابری و استقلال حاکمیت دولت هاست و رعایت برابری حاکمیت دولت‌ها ایجاب می‌کند که مقرراتی در زمینه محیط‌زیست در هر کشوری وضع گردد و حقوقی به نام حقوق محیط‌زیست به منصفه ظهور برسد. هرچند هر دولتی به استناد حاکمیت مستقل خود حق دارد شرایط و مختصات محیط‌زیست کشور خود را تعیین نماید و در آن مورد قانون گذاری کند ولی رعایت حاکمیت سایر کشورها هم ایجاب می‌کند که طوری با مساله محیط‌زیست برخورد نماید که سلامت مردم سرزمین دیگر را به مخاطره می‌اندازد چرا که به مخاطره افتادن سلامت مردم یک سرزمین تجاوز آشکار به جنبه‌های معنوی حاکمیت یک دولت است بنابراین هیچ دولتی حق ندارد به استناد حق حاکمیت از سرزمین خود به نحوی استفاده کند که به خاک سرزمین دیگر صدمه وارد نماید (برنیر، ۱۳۶۷:۴۷). برای تحقق این هدف یعنی استفاده از حق حاکمیت در داخل کشور و رعایت حاکمیت کشورهای دیگر، تدوین یک سلسله مقررات در هر کشوری با همکاری کشورهای دیگر ضرورت دارد که در داخل کشورها با وضع قوانین داخلی و برای اوضاع و احوال بین‌المللی با انعقاد عهدنامه‌های دو یا چندجانبه و یا همکاری کل دولت‌ها در سطح بین‌المللی از طریق سازمان‌های بین‌المللی وضع می‌گردد که نمونه آن پذیرش اصول حقوق بین‌الملل عمومی در زمینه محیط‌زیست است که دولت‌ها موظف به رعایت آن می‌باشند (Broms, 1987:306).

تحول و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در تعهدات بین‌المللی

جامعه بشری به مرور اهمیت برقراری تعادل میان انسان و محیط‌زیست را دریافت این تفکر جدید از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این سو روز به روز عمیق و قوت بیشتری یافت (موسوی، ۱۳۹۱:۱۹). از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون تابعان جامعه ی بین‌المللی رعایت هنجارهای زیست محیطی به منظور حفاظت از طبیعت را با توجه به ضرورت زیست اجتماعی خود اجتناب ناپذیر قلمداد می‌کند و نیاز به دستیابی به نوعی تعادل در خصوص انسان و طبیعت را لازم می‌داند (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲:۲۶). در بررسی روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باید توجه داشت که توسعه اصول و مبانی این گرایش از حقوق بین‌الملل از طریق اسناد بین‌المللی و عرف غالباً در واکنش به پیشرفت‌های علمی بوده است و این پیشرفت‌ها محرکی مهم در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بوده اند. از سوی دیگر نقش سازنده ی بازیگران غیردولتی در فعل و انفعالات متقابل با دولت‌ها و زمینه سازی برای شکل دهی اراده و تمایل آن‌ها برای پذیرش و اجرای تعهدات حقوقی در حوزه محیط‌زیست شایان یادآوری است. (McCaffrey, 1993:87-111). اگرچه دولت‌ها همچنان نقش برتر را برعهده دارند اما تنها بازیگر جامعه بین‌المللی به شمار نمی‌روند. سازمان‌های غیردولتی به تدریج توانسته‌اند در شکل‌گیری تدوین و توسعه و اجرا نظارت و نظارت نسبت به حقوق و تعهدات بین‌الملل محیط‌زیست تاثیرگذار باشند و شرکت آن‌ها در کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر کنفرانس استکهلم، ریو و غیره به ویژه پذیرش آن به منزله ناظر در

کنونسیون‌های بین‌المللی حکایت از شناسایی نقش سازمان‌های غیر دولتی به منزله بازیگرانی اثرگذار در عرصه بین‌المللی دارد (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). همچنین از ویژگی‌های مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تکوین اساس این رشته بر پایه حقوق نرم است. در واقع این رژیم خاص به علت اتکا به بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و غیره از ضمانت اجرای قدرتمندی برخوردار نیست اما حقوق بین‌الملل محیط‌زیست روند تدریجی رو به سوی حقوق سخت پیش گرفته است. در این زمینه توجه محاکم بین‌المللی به معضلات زیست محیطی که منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در رویه قضایی بین‌المللی در حوزه ی محیط‌زیست شده است به مرور زمان بر توسعه و کارایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست افزوده است و خواهد افزود. دولتها با نظارت بین‌المللی از طریق پروتکل‌های امنیت زیستی و وضع قوانین ملی مناسب سلامت شهروندان را تضمین کنند تا مانع وارد آمدن خسارت بر محیط‌زیست شوند. لذا اسناد بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست ضمن آن که به استفاده از تمامی فناوری‌های مدرن و مزایای آن برای بقای حیات محیط‌زیست تاکید کرده است به اقدامات و روش‌های احتیاطی مناسب نیز برای کنترل آثار نامطلوب آن‌ها در حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی اشاره کرده است و این خود کارایی بیشتر اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نیز فراهم کرده است. این اصول چهارچوبی را تشکیل می‌دهند که توسعه آتی حقوقی بین‌الملل محیط‌زیست را رقم می‌زند و محاکم بین‌المللی و دولتها در همین خصوص در صورتی که با استناد به این اصول عملکرد خویش را در اعمال تعهدات زیست محیطی موجه نشان داده و بر آن مشروعیت می‌بخشند (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۸).

مشروعیت دولتها در رعایت تعهدات زیست محیطی

محیط‌زیست به دلیل افزایش فعالیت‌های مخرب عناصر آن نیازمند وضع و اجرای قواعد الزام آور و غیرالزام آور محیط‌زیست بین‌المللی است. در این راستا به تازگی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد دسترسی به محیط‌زیست سالم و پاک را به عنوان حقی اساسی به رسمیت شناخت که گامی مثبت در جهت الزام آور کردن قواعد محیط‌زیست بین‌المللی به شملر می‌رود (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۰۸). ساختار کنونی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی به این سو شکل گرفته است. مهم‌ترین دوره زمانی در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از آغاز این دهه و کنفرانس استکهلم بود. در سال ۱۹۹۲ با کنفرانس ملل متحد راجع به محیط‌زیست و توسعه به اوج خود رسید. اعلامیه استکهلم اولین سند بین‌المللی است که به صراحت رابطه میان حقوق حقوق فردی و کیفیت محیط‌زیست را شناسایی و برای نخستین بار ارتباط میان حفظ محیط‌زیست و حقوق بشر را اعلام می‌کند کنفرانس استکهلم زمینه را برای فعالیت‌های بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای مهیا کرد (مسعودی، ۱۳۹۴: ۶۴). کنفرانس ملل متحد راجع به محیط‌زیست و توسعه در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل و با شرکت نمایندگان ۱۷۶ دولت و بیش از ۵۰ سازمان بین‌المللی دولتی و چندین هزار شخصیت حقوقی و سازمان غیردولتی تشکیل

شد. (ملک‌محمدی‌نوری، ۱۳۷۴:۱۰). در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت که ریشه مشروعیت در اعمال تعهدات زیست محیطی توسط دولت‌ها از کجا نشات می‌گیرد.

تعهدات حقوق زیست محیطی در آیین حقوق نرم

کنفرانس استکهلم

بیانیه پایانی کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ با اعلام حق انسان به داشتن محیط‌زیست سالم پیوند بنیادینی بین حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر ایجاد نمود. ماده اول اعلامیه مقرر می‌دارد انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی توأم با سعادت را بدهد برخوردار است. به موجب این اعلامیه انسان‌ها رسماً از حفاظت و بهبود محیط‌زیست برای نسل‌های حاضر در آینده بر عهده دارند و از آن تاریخ به بعد حق محیط‌زیست سالم و پیوسته در اسناد بین‌المللی مختلفی مورد تأکید قرار داده شده است (وفادار، ۱۳۸۶:۱۰۳). در اعلامیه اصولی استکهلم از جمله تعهدات دولت‌ها استفاده از علوم و فناوری برای تشخیص، اجتناب و کنترل خطرهای زیست محیطی و حل مسایل زیست محیطی به نفع جامعه بشریت است (آقایی، ۱۴۰۰:۱۱۱). اصل بیست و یک اعلامیه استکهلم دولت‌ها را در قبال فعالیت‌های صورت گرفته در محدوده منطقه تحت کنترل آن‌ها که موجب خطر برای محیط‌زیست سایر دولت‌ها می‌شود مسئول می‌داند که ملهم از یک اصل عرفی است و به اقدامات پیشگیرانه دولت‌ها در برابر آسیب‌های فرامرزی اشاره دارد. اصل بیست و چهارم نیز به همکاری دولت‌ها بر پایه ی برابری در خصوص موضوعات بین‌المللی حفاظت او بهبود محیط‌زیست و موافقت نامه‌های همکاری دو یا چند جانبه برای کنترل، جلوگیری، کاهش یا از بین بردن تأثیرات معکوس زیست محیطی اشاره شده است. در این راستا اهمیت نقش سازمان‌ها در هماهنگی برای حفاظت و بهبود محیط‌زیست و تضمین آن ضروری است (آقایی، ۱۴۰۰:۳۱۱).

بیانیه ریو

اعلامیه ریو با مبنا قرار دادن اعلامیه استکهلم نکات بسیاری را در خصوص حفاظت از محیط‌زیست بیان می‌دارد. این اعلامیه حفاظت از محیط‌زیست و تعهدات زیست محیطی را جزو جدایی‌ناپذیری از توسعه پایدار بر می‌شمارد که مبین آن است که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در راستای حفاظت و حمایت از تعهدات زیست محیطی وضع شده است (آقایی، ۱۴۰۰:۳۱۱). در اصل هفتم بیانیه به تعهد دولت‌ها در مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی در راستای حفاظت از محیط‌زیست و اکوسیستم‌های کره زمین و تعهد و مسئولیت افزون تر دولت‌های توسعه یافته به دلیل فشارهایی که جوامع آن‌ها به محیط‌زیست وارد کرده‌اند اشاره می‌کند. اصل چهاردهم نیز مجدداً به تعهد دولت‌ها به همکاری موثر تأکید می‌کند. اعلامیه ریو راجع به محیط‌زیست و توسعه بیانیه‌ای غیرالزام آور اصول اجماع جهانی پیرامون مدیریت، حفظ و توسعه پایدار انواع جنگل‌ها و برنامه ی اقدام برای قرن بیست و یکم بود اعلامیه ریو به کشورهای وارد کننده حق می‌دهد که به

منظور کنترل تاثیرات زیان بار احتمالی محصولات اصلاح شده ژنتیکی با لحاظ کردن منافع اقتصادی و اجتماعی خویش درباره وادرات و یا عرضه محصولات زیستی تصمیم‌گیری کند. هدف از این اعلامیه مشارکت به منظور حصول اطمینان از حمایت کافی در زمینه انتقال، نگهداری و استفاده از موجودات زنده اصلاح شده ژنتیکی است که آثار زیان بار آنها نسبت به حفظ و بهره‌جستن از تنوع زیستی احتمال می‌رود (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲:۳۶). پس از کنفرانس ریو افزایش قابل توجهی از دعاوی زیست محیطی رخ داد و این امر بیانگر اراده دولت‌ها در حل و فصل اختلافات از سوی محاکم بین‌المللی است (مسعودی، ۱۳۹۴:۹۹).

اجلاس جهانی ژوهانسبورگ

دومین سالگرد کنفرانس ملل متحد راجع به محیط‌زیست و توسعه اجلاس جهانی توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ برگزار شد (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷:۲۷). و در مورد مسایلی از جمله جلوگیری از تخریب محیط‌زیست تصمیم‌گیری شد. تاکید بر فقر زدایی و پیشگیری از تخریب و نابودی محیط‌زیست محیط‌زیست به عنوان چالش‌های فراروی جهان دو مورد از دغدغه‌های مهم این اجلاس بود (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷:۳۱).

تعهدات حقوق زیست محیطی در آیین حقوق سخت

کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲

کنوانسیون تنوع زیستی یک معاهده بین‌المللی که در ژوئن سال ۱۹۹۲ در خلال برگزاری کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل در ریوداژانیرو برزیل به تصویب رسید. اهداف این کمیسیون که باید برابر با مقررات مربوط به آن دنبال شود عبارت است از حفظ تنوع زیست محیطی، استفاده پایدار از گونه‌ها و سهم بردن عادلانه و برابر در مزایای حاصل از کاربرد منابع منابع ژنتیکی از جمله از طریق دسترسی مناسب به منابع ژنتیکی و انتقال صحیح تکنولوژی‌های مربوطه که تقریباً کلیه مقررات کنوانسیون تنوع زیستی نشان می‌دهد که سیاست‌ها و تدابیر باید در مسیر نیل به استفاده پایدار طرح ریزی کرد (پوراسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹:۴).

کنوانسیون کیوتو

کنوانسیون کیوتو که در چهار نوبت تشکیل شده بود و در نهایت در سال ۱۹۹۸ در آرژانتین تشکیل گردید و تا حد زیادی جنبه‌های اجرایی پروتکل کیوتو را مدنظر داشت. در متن پروتکل پس از شرح کلیات و تعاریف به اهداف و تعهدات، اصول و سازو کارها، ارکان پروتکل و نیز نحوه تبادل منابع مالی و انتقال فناوری بین کشورها پرداخته است. این کنوانسیون کشورهای صنعتی را ملزم به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کرده است. (رحیمی و دیگران، ۱۳۸۵:۸۰).

کنوانسیون لوگانو مصوب ۱۹۹۳

کنوانسیون شورای اروپا در خصوص مسئولیت مدنی خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست (لوگانو) در ۲۱ ژوئن سال ۱۹۹۳ در لوگانو به تصویب رسید. این کنوانسیون به منظور مضمول قرار دادن تمامی فعالیت‌هایی که موجب خسارت زیست محیطی می‌شود منعقد شد. هدف این کنوانسیون حصول اطمینان از جبران خسارت کافی برای خسارت ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست است و روش‌های پیشگیری و اعاده وضع را نیز ارائه کرده است (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷:۳۰).

کنوانسیون کارتاگنا مصوب ۲۰۰۰

پروتکل ایمنی زیستی کارتاگنا با تکیه بر اتخاذ تمهیدات احتیاطی که در اصل پانزده اعلامیه ریودر مورد محیط‌زیست و توسعه عنوان شده قوانین خود را بنا نهاده است که از دیگر اسناد بین‌المللی است که در این پروتکل چندین بار به محافظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی اشاره شده است. (پوراسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹:۴).

نقش آفرینی اسناد بین‌المللی در مشروعیت بخشیدن به تعهدات زیست محیطی

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حقوقی است که از وفاق عمومی نسبی برخوردار است. اسناد بین‌المللی مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است (ضیایی، ۱۳۹۳:۱۹۶). دولت‌ها با برنامه ریزی و وضع قانون می‌توانند به هدف‌های مورد نظر در محیط‌زیست موفقیت‌هایی به دست آورند. در راستای این امر می‌توان به چندین سند و اصول بین‌المللی اشاره کرد که برای دولت‌ها در جهت رعایت تعهدات زیست محیطی مشروعیت آفرین می‌باشد.

سند منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸

ماده چهار منشور آفریقایی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه اقوام حق دارند از محیط‌زیست رضایت بخش و جامع و مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند.

ماده ۱۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در زمینه اقتصادی و فرهنگی

مصوب ۱۹۸۸

ماده یازده پروتکل الحاقی تحت عنوان حق بر محیط‌زیست سالم مقرر می‌دارد هر فرد حق دارد در محیط‌زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی و اساسی برخوردار شود. در واقع برنامه ریزی و سیاست‌ها عمدتاً مواردی هستند که حرکت یک نظام اقتصادی و اجتماعی را برای برنامه موفقیت آمیز شکل می‌دهند (وفادار، ۱۳۸۶:۱۰۲).

قطعه‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل تحت عنوان ضرورت تضمین محیط‌زیست سالم

این قطعه‌نامه برای بهزیستی هر فرد و نیز اصول مصوب کنفرانس وزرای اتحادیه اروپا در سال ۲۵ اکتبر ۱۹۹۵ کلیه اساسنامه‌ی مذکور در اعلام‌تایید و تثبیت و تعیین چهارچوب محتوای حقوق محیط‌زیست اهمیت اساسی داشتند. (وفادار، ۱۳۸۶:۱۰۲).

نقش آفرینی اصول بین‌المللی در تعهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

به منظور توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حقوقدانان در دو دهه اخیر برای وضع و اجرای اصول و تعهدات حقیقی مربوط به مسئولیت و تعهدات دولت‌ها به ویژه در پاسخگویی به نیازهای فرامرزی زیست‌محیطی کوشش قابل ملاحظه‌ای مبذول داشته‌اند. توسعه موافقت‌های بین‌المللی از سوی دولت‌ها به ویژه با هدف پیشگیری از فعالیت‌های مضر نسبت به محیط‌زیست می‌تواند زمینه‌ی قابل ملاحظه‌ای را برای درک جدی‌تر جامعه بین‌المللی از پیوند میان لزوم توجه به محیط‌زیست در قالب اصول و هنجارهای این حوزه و تسهیل و تسریع فرآیندهای ذی‌ربط فراهم آورد (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷:۲۸).

اصل حاکمیت دایمی دولت‌ها بر منابع طبیعی

اصل حاکمیت یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌رود و در حقوق داخلی بسیاری از کشورها وجود دارد و در حقوق بین‌الملل ریشه عرفی دارد. (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲:۷۱). نقطه عطف اصل حاکمیت در اسناد استکهلم (اصل بیست و یکم) و اعلامیه ریو (اصل دوم) است که مقرر می‌دارد به منظور حفظ و حراست از محیط‌زیست، کشورها مجازند آن‌گونه درآمدهایی کسب کنند و سیاست‌های توسعه‌ای را اعمال نمایند که هم با ضوابط سازمان ملل متحد و اصول حقوقی پذیرفته شده‌ی بین‌المللی منطبق بوده و هم عادلانه و تحت کنترل باشد، به طوری که موجب ضرر و زیان به کشورهای دیگر یا مناطق خارج از مرز آن‌ها را فراهم سازد (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲:۷۲). در نتیجه دولت‌ها از حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خویش دارند البته اعمال چنین حقی نمی‌بایست به منزله وسیله‌ای برای اضرار به غیر استفاده شود. حق حاکمیت و صلاحیت انحصاری دولت‌ها بر سرزمین خود به این معنی است که آن‌ها می‌توانند سیاست‌ها و حقوق مربوط به منابع طبیعی و محیط‌زیست سرزمینشان را گسترش دهند. (موسوی، ۱۳۹۱:۲۵). کنوانسیون تنوع زیستی هم بر حق حاکمیت دولت‌های محل وقوع منابع ژنتیکی و زیستی تأکید می‌کند که طرف‌های متقاعد محیط‌هایی را اتخاذ خواهند کرد تا به تبع تثبیت اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری راجع به ذخایر ژنتیک، دسترسی به فناوری و انتقال آن میسر شود (صادقی، ۱۳۸۴:۹۴).

اصل ارزیابی آثار زیست محیطی

سرمنشاء اصل ارزیابی آثار زیست محیطی را باید در حقوق داخلی برخی کشورها به ویژه قانون سیاست زیست محیطی ایالت متحده آمریکا در سال ۱۹۹۶ جستجو کرد این اصل چنین تعریف شده است: کلیه فعالیت‌هایی که ممکن است اثرات مخرب جدی بر محیط‌زیست داشته باشد و اجرای آن منوط به تصمیمات مقامات ذیصلاح می‌باشد و شمول ارزیابی تاثیرات زیست محیطی توسط مقامات را علنی کردند (پور اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳).

اصول چهارده تا بیست و چهار منشور جهانی طبیعت مصوب ۱۹۸۲

اصل منشور جهانی طبیعت مصوب اکتبر سال ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل، با تعیین وظایف و تکالیف دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی به نحوه انجام و اجرای اصول مربوط به حقوق محیط‌زیست اختصاص یافته است. اصول یک یا ده اعلامیه ریو نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا ما را برای شناخت محتوای محیط‌زیست یاری می‌نماید. در این اصل آمده لازم است مسایل مربوط به محیط‌زیست با مشارکت کلیه شهروندان ذی ربط در سطحی مطلوب مورد بررسی قرار گیرد و در سطح ملی هم فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی محیط‌زیست در مورد محیط‌زیست در اختیار دارند، از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه دسترسی داشته باشند و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نمایند. (وفادار، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

اصل پیشگیری و احتیاط

اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اصولاً جنبه‌ی پیشگیرانه دارد و در راستای نظارت بر فعالیت دولت‌ها هستند (آقایی، ۱۴۰۰: ۳۱۲). اصل پیشگیری و احتیاط را می‌توان از جمله ملاحظات و ابتکارات اعلامیه ۱۹۹۲ ریو در خصوص محیط‌زیست و توسعه دانست. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۸). مطابق اصل پیشگیری و احتیاط دولت‌ها وظیفه دارند تا از هرگونه اقدامی که به تخریب و آلودگی محیط‌زیست می‌انجامد پیگیری و موارد لازم اقدامات احتیاطی را به انجام برسانند (دبیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۸). رویکرد اصل مذکور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از سوی اعلامیه استکهلم، پیش نویس اصول بیانیه ملل متحد راجع به محیط‌زیست در سال ۱۹۷۸ منشور جهانی طبیعت در سال ۱۹۸۲، اعلامیه ریو ۱۹۹۲، تایید و مطرح شد. ابزار اصلی برای تاثیر گذاری سازمان‌های غیر دولتی افکار عمومی بین‌المللی است که این نهادها قدرت تاثیر و بازیگری خود را در روابط بین‌المللی مرهون آن هستند. (پور هاشمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۳). اصل پانزدهم به تعهد دولت‌ها بر احتیاط در حفاظت از محیط‌زیست می‌پردازد که نظارت و ارزیابی فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها از مصادیق اصل احتیاط است. دولت‌ها باید اقدامات مناسب را در جهت کنترل و نظم بخشیدن به منابع جدی آلودگی یا زیان‌های مرزگذر در سرزمین یا مناطق تحت صلاحیتشان انجام دهند. اصل شانزدهم بیانیه به تعهد مهم دیگری از سوی دولت‌ها اشاره می‌کند که متضمن پرداخت‌های یک دولت برای سالم سازی محیط‌زیست است و آلوده ساز باید هزینه‌های رفع

آلودگی را پرداخت کند. اصل مذکور باتوجه به وضعیت کنونی آلودگی‌های محیط‌زیست به ویژه تغییرات اقلیمی تعهدات سنگین تری برای دولت‌های توسعه یافته متصور است. بیشتر اصول مورد توافق در این سند مبین تعهدات دولت‌ها در جهت کنترل فعالیت‌های صنعتی و استفاده پایدار از منابع طبیعی، کنترل آلودگی و بله حدائق رساندن زبان‌های توسعه صنعتی و شهری است. (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰:۳۱۲). همچنین اصل اقدام احتیاطی در ماده ۱۳۰ معاهده ماستریخت مطرح و در بند دو ماده ۱۹۹ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا به تفصیل بیان شده است که مطابق آن هدف سیاست اتحادیه اروپا در حوزه محیط‌زیست تحقق بالاترین سطح حمایت با در نظر گرفتن موقعیت‌های مکانی مختلف در جای جای اتحادیه اروپاست. این هدف برپایه اصل اقدام احتیاطی و اصل پیشگیری باید استوار شود و خسارت زیست محیطی و تعهد به اجرای جبران آن به عنوان اولویت قرار گیرد و آلوده کننده منجر به جبران خسارت شود. (پوراسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹:۶).

اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۹۵

یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اصل اطلاع رسانی است که در ماده ۸ بیانیه ریو است. مبنی بر این که دولت‌ها باید بلافاصله کشورهای دیگر را از فجایع و حوادث طبیعی یا موارد اضطراری که به نظر می‌رسد آثار سدی بر محیط‌زیست این کشور داشته باشد مطلع سازد. (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰:۳۱۲) اصول صوفیا به اصل دسترسی عموم به اطلاعات محیط‌زیست اشاره دارد مگر این که تقاضای دریافت اطلاعات به موارد استثنا شده در قانون مربوط باشد. برای آن که شهروندان بتوانند از حق بر محیط‌زیست سالم استفاده کنند، اولین شرط، شرط داشتن اطلاعات زیستی محیطی است. به موجب ماده دو این اصل کلیه افراد حقیقی و حقوقی باید بتوانند بدون توجه به رابطه شهروندی، ملیت، محل اقامت و بدون آن که موظف به اثبات داشتن نفع حقوقی باشند آزادانه اطلاعات زیست محیطی که تقاضا نموده‌اند دسترسی یابند. اما کنوانسیون ۱۹۹۸ دانمارک سند لازم الاجرا در قلمرو بین‌المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات محیط‌زیست است و این کنوانسیون نتنها قدمی بسیار مهم در حمایت از محیط‌زیست تلقی گردیده است بلکه سندی برای تضمین رعایت اصول و تعهدات زیست محیطی در اجرای تصمیمات دولت‌ها است (وفادار، ۱۳۸۶:۱۰۳). جریان اطلاعات آزاد روزآمد علمی و انتقال تجارب برای تسهیل رفع مشکلات زیست محیطی و وظیفه انتقال آن به عهده دولت‌های توسعه یافته به دولت‌های در حال توسعه از دیگر تعهدات مهم دولت هاست از جمله انتقال اطلاعات تغییرات و تمهیدات زیست محیطی است (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰:۳۱۱).

تعهدات معاهداتی دولت‌ها در رعایت زیست محیطی

علاوه بر اصول مندرج در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های محیط‌زیستی ذکر شده دولت‌ها در راستای حفاظت از عناصر تشکیل دهنده محیط‌زیست اقداماتی از طریق تصویب و الحاق به معاهدات بین‌المللی نیز منعقد کرده‌اند که در برگزیده ی تعهداتی برای دولت هاست. دولت‌ها در زیست

محیطی و آلودگی‌های مرزگذر باید با یکدیگر همکاری کنند و این امر در ماده ۳ منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها ریشه دارد که بر اساس آن هر دولتی باید برای ایجاد سیستم اطلاع رسانی و مشاهده در زمینه استفاده مطلوب از منابعش بدون ایجاد ضرر و زیان به دولت‌های دیگر همکاری کنند. بر این مبنا بند اول کنوانسیون ژنو آلودگی‌های فرا مرزی دور برد، به صراحت به لزوم ترویج فرا مرزی روابط و همکاری از محیط‌زیست اشاره می‌کند. همچنین در مقدمه ی کنوانسیون تنوع زیستی به موضوعی اشاره شده است که بر اساس آن شرط اصل تنوع زیستی، حفاظت از اکوسیستم‌ها و زیستگاه‌های طبیعی و نگهداری و احیای جمعیت‌های مانای گونه‌ها در محیط طبیعی خود است که حفاظت از این اکوسیستم و ریز ارگانسیم‌های زنده مشابه از جمله تعهدات دولت‌ها در این کنوانسیون است. (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱۰).

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال تعهدات زیست محیطی

مسئولیت بین‌المللی دولت اصل و مبنای حقوق بین‌الملل است که منتج از ماهیت نظام حقوق بین‌الملل و دکترین برابری و تساوی حاکمیت دولت‌ها در قبال تعهدات زیست محیطی مساله‌ای است که در خصوص آن تلاش‌های زیادی صورت گرفته است به طوری که رژیم‌های موثر مسئولیت در مذاکرات و نشست‌های مربوط به محیط‌زیست شکل گرفته است. این مسئولیت دولت در قبال محیط‌زیست ممکن است ناشی از حقوق قراردادی باشد یا اهمیت حقوق بین‌الملل عرفی که رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کابچیکو-ناگی ماروش، از اهمیت مسئولیت دولت‌ها و ارتباط آن‌ها با حقوق معاهدات حکایت دارد. (هاشم پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۷۹). در نظام حقوقی قواعد مسئولیت لازم و ملزوم این نظام حقوقی دانسته شده و نقض تعهدی مستلزم مسولیت ناقض تعهد و جبران صدمات ناشی از آن می‌باشد. اظهارات دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه "بارسلونا تراکشن" حاکی از آن می‌باشد که برخی تعهدات در قبال جامعه بین‌الملل وجود دارد و به دلیل اهمیت آن‌ها تمامی دولت‌ها در حمایت از آن‌ها دارای منفعت حقوقی هستند. شکل‌گیری قواعد امره بین‌المللی به این معنی است که این قواعد بر قواعد عادی حقوق بین‌الملل اولویت دارد. بدیهی است که نقض آن‌ها باید مسولیت شدیدتری را سبب گردد. از این رو حمایت کیفری از محیط‌زیست در کنار سایر تدابیر می‌تواند بر تداوم اصول حاکم بر محیط‌زیست و تحقق اقدامات توسعه پایدار شمار آید. با شناسایی قواعد زیست محیطی این امر به وضوح آشکار می‌گردد که ضمانت اجرای مدنی برای حمایت از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کافی نبوده بلکه کیفری کردن پاره‌ای از نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ضروری است. در بررسی قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شناسایی قواعد کیفری حمایت از محیط‌زیست از جهتی توجه به تفکیک جنایت زیست محیطی دولت‌ها از جنایت ضروری بوده است. از جهت دیگر تمایز میان جنایت زیست محیطی در زمان جنگ و صلح اجتناب ناپذیر است. (قدوسی، ۱۳۹۷: ۱۳). از سوی دیگر مجمع عمومی سازمان ملل نیز در قطعنامه‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۲، دولت‌ها را در انجام اقداماتی

که نتایج بیولوژیکی فرا مرزی زیان بار دارند دارای مسئولیت بین‌المللی می‌داند. (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰:۳۱۰).

رویه‌های قضایی در خصوص تعهدات زیست محیطی

امروزه دغدغه‌های زیست محیطی به منزله‌ی موضوعی مهم در جامعه بین‌المللی با تمامی فعالیت‌های انسانی ادغام و در نظر گرفته می‌شود (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷:۲۸). دیوان بین‌المللی دادگستری در راس دادگاه‌های بین‌المللی است و لذا در خصوص اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست خصوصا در مواردی که به عنوان میراث مشترک بشریت جهانی قلمداد می‌شود مسئولیت دارد (ضیایی، ۱۳۹۳:۱۹۸). در حوزه رویه قضایی بین‌المللی تاسیس شعبه ویژه محیط‌زیست توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۳ گام نخست در جهت تکامل اصل توسعه پایدار در سطح بین‌المللی بود. (پوراسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹:۳). به طور مثال در قضیه گابچیکو-ناگی ماروس به دو واقعیت مهم در خصوص محیط‌زیست اشاره دارد. اول این که دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه صدمه به محیط‌زیست را مصداق جدی صدمه به منافع اساسی مذکور در ماده ۲۵ پیش نویس طرح مسئولیت دولتها دانست و ثانياً دیوان قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را عطف به ماسبق می‌کند و در موافقت نامه سرمایه گذاری میان مجارستان و چکسلواکی قابل اعمال می‌داند. در این قضیه اعلام شده است که بشر به دلایل اقتصادی و غیره در طبیعت دخالت کرده است و این نیاز وجود دارد که میان توسعه اقتصادی و حفاظت از تعهدات زیست محیطی تعادل برقرار شود (ضیایی، ۱۳۹۳:۱۹۹). قضیه گابچیکوو-ناگیماروس به طور مستقیم به طرح مسائل مرتبط با حقوق بین‌الملل، ضرورت سازگاری میان توسعه اقتصادی و تعهدات محیط‌زیست تاکید داشت. (پور اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹:۳). دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای نیز دیوان دیگری است که به اختلافات مربوط به کنوانسیون حقوق دریاهای مورخ ۱۹۸۰ می‌پردازد. این دیوان به طور میال دولتها را ملزم به رعایت (طبق بخش اول ضمیمه موافقت نامه ۱۹۹۴ و تضمین طبق ماده ۲۰۴ کنوانسیون حقوق دریاهای) ارزیابی زیست محیطی برای فعالیت‌های اقتصادی در بستر عمیق دریاهای می‌داند (ضیایی، ۱۳۹۳:۲۰۲). در نهاد حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی نیز در قضیه دلفین‌ها و لاک پشت‌ها محیط‌زیست را بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی می‌داند که توجه به محیط‌زیست در این قضیه حاوی این مطلب است که دولتها نه فقط در قبال محیط‌زیست در ورای مرزهای خود بلکه در قبال تعهدات زیست محیطی در مرزهای خود نیز تعهداتی دارند (ضیایی، ۱۳۹۳:۲۰۴).

مشروعیت تعهدات زیست محیطی در قوانین ایران

اصل پنجاهم قانون اساسی ایران بر مبنای اصل حاکمیت، دولت متعهد به وضع قوانین در جهت جلوگیری از آلودگی در سطح ملی و فرا مرزی است. (آقایی و دیگران، ۱۴۰۰:۳۱۱). با الهام از این اصل کشور ایران با وضع قانون گذاری در قوانین داخلی خود از جمله قانون حفاظت و بهسازی از

محیط‌زیست مصوب سال ۱۳۵۳ (اگرچه در سال ۱۳۷۱ اصلاح شد)، همچنین قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب سال ۱۳۷۱ و در عرصه بین‌المللی با پیوستن به کنوانسیون‌های مختلفی همچون تنوع زیستی در سال ۱۳۷۵ و پروتکل ایمنی زیستی کارتاگنا در سال ۱۳۸۲ گام‌های بلندی در مشروعیت بخشی به رعایت تعهدات زیستی برداشته است.

نتیجه‌گیری

لازمه حیات انسان و رعایت حقوق بشر برخورداری وی از محیط‌زیست سالم است و هدف از تشکیل دولت‌ها نیز حفظ حیات انسانی و محیط‌زیست اوست. حاکمیت دولت‌ها برخلاف سایر مسایل، در مورد محیط‌زیست منحصر به سرزمین خود نبوده و حاکمیت او شامل سرزمین کشورهای دیگر نیز می‌شود. هر کشوری علاوه بر این که مقرراتی در مورد تعهدات زیست محیطی برای روابط داخلی کشور خود وضع می‌کند مقرراتی را هم برای روابط بین‌المللی خود با دیگر دولت‌ها پیش بینی می‌کند. در عرصه بین‌المللی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز حقوق محیط‌زیست به عنوان یک دغدغه مشترک برای تمام کشورهای جهان محسوب و حفاظت از محیط‌زیست به عنوان میراث مشترک بشریت قلمداد می‌شود دولت‌ها باید در راستای حق حیات و حق بر سلامت افراد تعهدات زیست محیطی را با حسن نیت انجام دهند. بر این اساس توجه به اصل همکاری متقابل دولت‌ها در اجرای اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و نیز تاسیس یک سازمان بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست با هدف اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و قواعد محیط‌زیستی منجر به به وجود آمدن تعهداتی در خصوص محیط‌زیست گردیده است. با نظارت بین‌المللی از طریق پروتکل‌های امنیت زیستی و وضع قوانین ملی و بین‌المللی می‌توان حفاظت از محیط‌زیست را کنترل و مانع وارد آمدن خسارت بر آن شد. لذا اسناد بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست ضمن آن که به استفاده از تمامی فناوری‌های مدرن و مزایای آن با برقراری بقای محیط‌زیست تاکید کرده است به اقدامات و روش‌های احتیاطی مناسب نیز برای حفاظت از محیط‌زیست و استفاده پایدار از تنوع زیستی و رعایت تعهدات زیستی اشاره کرده است. همچنین سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی در مقولات زیست محیطی موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرده‌اند و این خود کارایی بیشتر اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نیز فراهم کرده است و برای حفظ و حمایت از آن معاهدات و قوانین بین‌المللی مختلفی دو یا چند جانبه توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منعقد گردیده است تا به واسطه آن هم در اجرای تعهدات زیستی خود مشروع باشند و هم در صورت نقض تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق محیط‌زیست دولت ناقض مسئول شناخته شده و متحمل جبران خسارت شود.

منابع و مراجع

- ۱) کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵). فلسفه حقوق. انتشارات به نشر جلد اول، نوبت چاپ دو. تعداد صفحات ۶۱۲.
- ۲) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۲). مقدمه علم حقوق. انتشارات گنج دانش. نوبت چاپ ۱۳. تعداد صفحات ۲۷۲.
- ۳) تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۴). حقوق محیط‌زیست در ایران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. سال نشر ۱۳۹۴، نوبت چاپ ۶. تعداد صفحات ۱۸۷.
- ۴) مسعودی، علی (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با تاکید بر نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه آن. تهران. مجمع علمی و فرهنگی مجد. سال چاپ ۱۳۹۴، نوبت چاپ یک. تعداد صفحات ۲۴۲.
- ۵) دل وکیو (۱۳۸۶). فلسفه حقوق. ترجمه جواد واحدی. انتشارات نشر میزان. سال چاپ ۱۳۸۶، نوبت چاپ دو. تعداد صفحات ۲۷۰.
- ۶) کیس سند پ لانک (۱۳۹۲). حقوق محیط‌زیست. ترجمه حسن حبیبی. انتشارات دانشگاه تهران جلد اول. سال چاپ ۱۳۹۲، نوبت چاپ ۲. تعداد صفحات ۲۶۲.
- ۷) نژندی منش، هیبت‌الله. خیاطیان (۱۳۸۸). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تدوین و توسعه هنجارهای محیط‌زیست در کتاب حقوق محیط‌زیست. انتشارات خرسندی.
- ۸) پور هاشمی، عباس، ارغند، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. تهران نشر دادگستر. سال چاپ ۱۳۹۲، نوبت چاپ ۱، تعداد صفحات ۲۹۶.
- ۹) صادقی، محسن (۱۳۸۷). حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی. تهران نشر میزان. سال انتشار ۱۳۸۷، نوبت چاپ ۱. شماره صفحات ۶۴۰.
- ۱۰) شهبازی، آرامش. برلین، پویا (۱۳۹۷). نقش زسیت فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره ۲۸ شماره ۱، بهار ۱۳۹۷.
- ۱۱) غریبه، علی (۱۳۸۹). محیط‌زیست در نظم حقوق کنونی. فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی. سال یازدهم شماره ۳۶ زمستان ۱۳۹۰.
- ۱۲) سمبر، رضا (۱۳۸۳). حقوق بشر در چهارچوب محیط‌زیست. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۱-۲۰۲. صفحه ۱۰۲-۱۱۳.
- ۱۳) پوراسماعیلی‌ریا، علیرضا. کیخسروی، مهدی. واعظی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی تعهدات زیست محیطی دولت‌ها در خصوص محصولات تراریخته در پرتو اصول حقوق بین‌الملل. مجله اخلاق زیستی دوره دهم شماره ۳۵.
- ۱۴) آقایی، داوود. سعیدی، ندا (۱۴۰۰). تعهدات محیط‌زیستی دولت‌ها در کاهش مخاطرات زیست محیطی. مدیریت مخاطرات محیطی، دوره ۸ شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰.
- ۱۵) وفادار، علی (۱۳۸۶). تعهد و مسولیت دولت‌ها در رعایت محیط‌زیست. علم و تکنولوژی محیط‌زیست. دوره نهم شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- ۱۶) موسوی، سیدفضل‌الله. ارش پور، علیرضا (۱۳۹۴). جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره ۴۵ شماره ۲ تابستان ۱۳۹۴-۱۳۹۹.

- ۱۷) نژندی منش، هیبت الله. اسکندرزاده، افسانه (۱۳۸۴). زیست فناوری و حقوق بین‌الملل. کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی.
- ۱۸) دبیری، فرهاد. پورهاشمی، سیدعباس. روستا، فخرالضحی (۱۳۸۶). بررسی اصوا و مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه پایدار. علوم و تکنولوژی محیط‌زیست. دوره یازدهم شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
- ۱۹) رحیمی، نسترن. بختیارمحسن (۱۳۸۵). کپروتکل کیوتو چالش‌ها و رهیافت‌ها. علوم تکنولوژی محیط‌زیست. شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۵.
- ۲۰) قدوسی، مزده (۱۳۹۷). چالش‌های نوین صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از تغییرات. پژوهش ملل بهمن ۱۳۹۷. شماره ۳۸.
- ۲۱) دبیری، فرهاد. خلعتبری، یلدا. زارعی، سحر (۱۳۹۷). دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. دوره ۱۶ شماره ۱۱ شماره پیاپی. ص ۶۳-۷۳.
- ۲۲) ضیایی، سیدیاسر (۱۳۹۳). جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲ بهار سال ۱۳۹۳.
- ۲۳) هاشم پور، ارهام. ارش پور، علی‌رضا (۱۳۹۸). پیشگیری و جبران خسارت زیست محیطی در مدیریت سوخت مصرف شده‌ی هسته‌ای. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره ۴۹-شماره دو. ص ۵۷۳-۵۸۹.
- 24) Broms, R. (1987). *international Environmental law in Evolution*, in law perspectives. clarendon press, oxford.
- 25) Chinkin, C., 1998. *International Environmental Law in Evolution. Law in Environmental Decision-Making. National, European and International Perspectives*. Clarendon Press, Oxford, pp.229-265.
- 26) Thomtoz, (2009-2010) "significant UK environmental Cases" of environmental law. vol22. Issue:2 LA.1137.
- 27) Hornton, J., 2018. Significant UK environmental law cases 2017/18. *J. Envntl. L.*, 30, p.343.
- 28) McCaffrey, S.C., 1993. The evolution of the law of international watercourses. *Austrian Journal of Public and International Law*, 5(2), pp.87-111.